

۴ شهرالاسماء ۱۷۹

۱ شهریور ۱۴۰۱

پیروان مظلوم و باوفای محبوب عالمیان در مهد امر الله ملاحظه نمایند

خواهران و برادران عزیز روحانی، حاملان امانت حضرت کبریا و حافظان امر نازنین جمال ابهی،

گزارشات دریافت شده از سرزمین مقدس ایران نمایانگر تشدید بی عدالتی و ظلم بی امانی است که پیروان حضرت بهاءالله در آن خطه مبارکه از زمان تجلی اولین فروغ آفتاب حقیقت که از افق آن کشور بردمید تا به امروز با آن مواجه بوده‌اند. این اخبار حاکی از انواع مختلف تبعیض و تعرض به ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی بهائیان اعم از دستگیری بی‌گناهان و فشارهای شدید بر آنان، هتک حرمت و حمله به خانه‌های شخصی، غصب املاک و اموال و تخریب منازل، و محروم نمودن جوانان بهائی از تحصیلات عالی است و حتی چندین مورد جلوگیری از امرار معاش افراد را نیز در بر می‌گیرد. افسوس و هزار افسوس که تعصبات جاهلانه و کینه‌های دیرینه، قلوب بعضی از مسئولین را چنان تسخیر نموده که واقعیت و حقیقت را به کلی رها نموده‌اند و با توسل به زور و قدرت و با اتکا به مقام و منصب، بساط جبر و ظلم و حرص و طمع پهن نموده، نه تنها حقوق حقه بهائیان آن مرز و بوم را سلب کرده‌اند بلکه با اشاعة اکاذیب و مفتریاتی علیه جامعه شما که دیگر هیچ نفس منصف و مطلعی به آن اعتنا نمی‌نماید و با عنوان نمودن اتهاماتی پوچ و بی‌اساس که دیگر هیچ عقل سلیمی حتی یک عبارت ضد و نقیض و بی‌معنای آن را جدی نمی‌گیرد باعث خسران و زیان به حیثیت و اعتبار خود در انظار عموم گشته‌اند. چه عاملی جز تعصب و غرض و کینه و عناد می‌تواند فهم و خرد را این چنین ساقط کند و سبب انتشار کلمات و اظهاراتی بدین درجه سست و بی‌عنصر گردد که طفل سبق‌خوان را فریب نمی‌دهد تا چه رسد مردم بادرایت و پرذکاوت ایران را. ناراستی و بهتان در چنین ابعادی وسیع گناهی است کبیر و نشر این مفتریات نامعقول اهانتی است عظیم به هوش و عقل ایرانیان و به سخره گرفتن جمیع جهانیان.

اما در این راستا اتفاقات اخیر در مازندران، که حقیقتاً ادامه ستمی است که احبای آن سامان طی سالیان متمادی متحمل بوده‌اند، این بار به حدی شنیع و قبیح بود که به درستی می‌توان گفت نه تنها دل مردمان ایران را خراشید بلکه خاطر اهل عالم را نیز جریحه‌دار نمود و بر افکار عمومی در سطح بین‌المللی تأثیری عمیق بر جای گذاشت. تصاویر آن مصیبت‌زدگان بی‌خانمان، ضمیر هزاران هزار نفوس را بیدار نمود و آه و فغان آن ستم‌دیدگان به ناله و شکوه هم‌وطنان‌شان انجامید، قلوب شکسته آن مظلومان قلب هر فرد باوجدان را بفشرد و آکنده از درد و الم نمود و اشکی که بر گونه‌های آن اطفال معصوم بارید از چشمان بسیاری از ناظرین در اقصی نقاط دنیا نیز

جاری گشت. این بی‌عدالتی عظیم ظرف مدتی بسیار کوتاه عکس‌العملی خارق‌العاده را در رسانه‌های جهانی سبب شد و به حمایت هم‌میهنان شریف‌تان در ابعاد بی‌سابقه که در فضای مجازی کاملاً مشهود بود منجرگشت. وقایع اخیر در مازندران تبدیل به نمادی از کلیهٔ مظالمی گردید که در سراسر آن کشور بر جامعهٔ اسم اعظم وارد شده و می‌شود. چنین پشتیبانی وسیعی از حقوق حقه و پایمال شدهٔ آن جامعهٔ ستم‌دیده از جانب سایر ایرانیان حائز اهمیت بسیار زیادی است. شاید برای نسل جوان که در طول حیات خود شاهد آگاهی روزافزون هم‌وطنان بوده‌اند این امر محسوس نباشد، ولی آنان که اوضاع و احوال سالیان قدیم و جو حاکم بر اجتماع را در زمان‌های پیشین به یاد دارند و بی‌اطلاعی عمومی و جدایی‌های گذشته را به خاطر می‌آورند بدون شک به بیداری فزایندهٔ مردم شریف آن سرزمین که در فرهنگ خویش همیشه کرامت انسانی و تساوی شهروندان را ارج می‌نهاده‌اند با حیرت و شگفتی می‌نگرند که چگونه در مدتی چنین کوتاه تغییری چنین عمیق مقدر و میسر شده و در بین بسیاری از ایرانیان حقیقت مقاصد و اهداف بهائیان و تعلق‌شان به آن سرزمین مقدس معلوم گشته، اصول عقایدشان بیش از پیش شناخته شده، و ماهیت تلاش و مساعی آنان برای خدمت به اجتماع و ترویج وحدت عالم انسانی که پایهٔ اصلی و شالودهٔ همهٔ تعالیم حضرت بهاء‌الله است آشکار و مبرهن گردیده است.

ای ستایندگان طلعت جانان، به اتفاقات اخیر بیندیشید. ملاحظه نمایید که در پاسخ به چنین مظالم عیانی که می‌تواند در درون هر نفسی خشم و طغیان ایجاد نماید، در سینه‌های پاک آن عزیزان که همواره در بحر چنین بلا یا غوطه‌ور بوده‌اند نه تنها اثری از انتقام‌جویی موجود نیست بلکه دادخواهی آنان توسل به قانون است و تظلم به مسئولین. بهائیان خواهان عدالتند و طالب داد و انصاف ولی نه در پی تلافی و انتقام. قلوب‌شان از درد مشحون است ولی از نفرت و دشمنی آزاد و مبرا، نگرانند ولی محبت و رأفت‌شان به دیگران بی‌انتهای، تنگ‌دستند ولی طبع‌شان بلند و مقاصدشان والا، بی‌سر و سامانند ولی خود برای سایرین ملجأ و پناه، گرفتار در دام کینه‌وراند ولی روح‌شان طایر و پران، مظلومند ولی در حق ظالم خیرخواه. اطفال‌شان را نه به ترویج خشونت و ستیز بلکه به مهربانی و بخشش تربیت می‌نمایند که خاطر موری نیازرند تا چه رسد به انسان. آن ستم‌دیدگان دل‌های سوزان خویش را با ایمان و اندرزه‌های جمال ابهی که نیاکان روحانی‌شان را او خود در آن اقلیم به ید قدرتش تعلیم و پرورش داد آرامش می‌بخشند. آن حضرت نزاع و جدال را منع نمود، و به آنان اینگونه آموخت: ”دین الله و مذهب الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت عالم است او را سبب و علت نفاق و اختلاف و ضغینه و بغضا منمائید.“

از عزیزان ایران، آن دست‌پروردگان حضرت یزدان، البته انتظاری جز این نیست اما به راستی بدانید که در این جهان متلاطم و پرابتلا که مردمانش از خشونت به ستوه آمده‌اند و به ویژه از خشونتی که به اسم دین مجرا می‌گردد منجر و گریزانند، اگر نفسی به دیدهٔ انصاف و به چشم پاک و عاری از تعصبات بنگرد، روش و منش جامعهٔ بهائیان ایران بر اعجاز حضرت بهاء‌الله و قوای پرتوان صلح‌آفرین و وحدت‌بخش امر مبارکش دلیلی است کافی و برهانی است باقی. آن عزیزان با تمسک به تعالیم آن حضرت و با رفتار و کردارشان، تجلی خصایل

روحانی و فضایل معنوی در عالم انسانی را گواه صادقند و امکان تحقق بنای اجتماعی متنوع و متحد و پیشرو و پویا را شاهد ناطق. مرحبا و هزار مرحبا. این است مفهوم راستین دین الهی. این است امتیاز ابدی و افتخار سرمدی. موهبتی این چنین را کم نشمرید و در رفعت مقام مروّجان واقعی صلح و آشتی و در سموّ درجات عاشقان حقیقی عالم انسانی هرگز شک و تردیدی به خود راه ندهید.

در عین حال سزاوار این تحوّل تاریخی که در اذهان بسیاری از ایرانیان ایجاد شده همان است که شما سالکان راه پروردگار سعی و همّ خود را معطوف این مهم می‌نمایید که هر چه بیشتر مصداق نصایح الهی در این عصر پرانوار گردید. در تقویت روابط روحانی در جوامع خویش و ازدیاد اتحاد و اتفاق و هم‌بستگی کماکان کوشاید، هم‌دیگر را در هر خدمتی تشویق و هم‌دلی و قدردانی می‌نمایید و اجازه نمی‌دهید که در وحدت عمیق جامعه و ارتباط قلبی همه اجزای آن با یکدیگر ادنی‌ترین تزلزلی حتی موقتاً رخ دهد. ای محبوبان، در حین این اتفاقات قلوب هم‌میهنان خود را امیدوار کنید، سبب دل‌گرمی هر سرخورده گردید و موجد اطمینان هر دل‌خسته، دل‌سوز واقعی همگان شوید و غم‌خوار هر درمانده، درمان درد دیگران گردید و درد خود را بدین ترتیب التیام بخشید، نزد حضرت پروردگار برای آنان که ظلم روا می‌دارند طلب غفران کنید، و برای زودده شدن قلوب‌شان از زنگ تعصّب و جهل دعا و استغاثه نمایید.

در پهنه گیتی خواهران و برادران روحانی شما که از پیوستگی معنوی خود به آن عزیزان قهرمان مفتخرند، در این ایام در ادعیه روزانه و مخصوص خود مرتباً به یاد شما هستند و از بارگاه حضرت متعال خالصانه رفع تعصبات و تضيیقات و تبعیضات بی‌شماری که با آن مواجه‌اید را می‌طلبند و جوامع بهائی در سراسر عالم برای اطلاع‌رسانی به دولت‌های جهان و بیدار نمودن مردمان به آنچه بر شما گذشته و می‌گذرد کوشا و ساعی‌اند. این مشتاقان نیز در هر دم و آن به یادتان مشغولیم و در هر فرصت به نیابت از شما عزیزان در نهایت تضرّع به درگاه حضرتش متوسّلیم و ملتمس.

بِسْمِ الْعَزِيزِ الْعَظْمِ